

به سوی نظریه بیداری اسلامی

تحلیل کیفی متن بیانات مقام معظم رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی

عبدالکریم خیامی*

چکیده

تحولات اخیر خاورمیانه از سوی شخصیت‌ها و مقامات مختلف کشورهای جهان به شیوه‌های متفاوتی تبیین شده است. نامگذاری این تحولات با عناوینی چون بیداری اسلامی، بیداری انسانی، بهار عربی و انقلاب یاسمن، نشان‌دهنده وجود نظریه‌های متفاوت در این زمینه است که به طور طبیعی به اقدامات متفاوتی در صحنه عمل سیاسی منجر می‌شود. از جامع‌ترین و منسجم‌ترین موضع‌گیری‌های مقام معظم رهبری، متن سخنرانی معظم‌له در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی است. این نوشته تلاش دارد تا ضمن معرفی اجمالی سایر نظریه‌ها به ویژه «بیداری انسانی»، از رهگذر تحلیل چند سطحی متن مذکور، به تبیین چارچوب نظری و مفهومی نظریه «بیداری اسلامی» کمک کند.

واژگان کلیدی

اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، تحولات خاورمیانه، رهبر معظم انقلاب، بیداری انسانی، بیداری اسلامی.

مقدمه

بعد از وقوع انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه و فروپاشی رژیم‌های فاسد و نظام‌های دیکتاتوری، نظریه‌های مختلفی پیرامون چیستی، عوامل پیدایش و تشریح هندسی این وقایع مطرح شد که یکی از مهم‌ترین آنها، نظریه بیداری اسلامی است که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده است. ایشان در اجلاس بین‌المللی بیداری

ak.khayami@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

*. مدرس دانشگاه امام صادق علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۷

اسلامی طی سخنانی به بیان موازین و چارچوب نظری بیداری اسلامی پرداخته و با اشاره به پیشینه تاریخی، عوامل زمینه‌ساز اصلی، فرصت‌ها و تهدیدها، زوایای این نظریه را تشریح کردند.

از سوی دیگر شاهد طرح دیگر نظریه‌ها و نامگذاری‌ها برای تحولات مذکور نیز بودیم. در داخل کشور شاید عنوان «بیداری انسانی» مهم‌ترین آنها بود که از سوی برخی دست‌اندرکاران قوه مجریه به‌ویژه ریاست محترم جمهور مطرح شد.

بی‌شک نقش افراد، یعنی سیاست‌گذاران در سیاست خارجی حائز اهمیت است و ادراک‌ها و برداشت‌های آنان بر کنش‌ها و اقدام‌های بعدی تأثیر بسزایی دارد. از همین رو در صحنه عملیاتی دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در برخی موارد شاهد موضع‌گیری‌ها و واکنش‌های دوگانه‌ای بوده‌ایم.

نگارنده با اعتقاد به نقش دین مبین اسلام در تحولات منطقه و ضمن معرفی اجمالی دیدگاه‌های مطرح در این زمینه تلاش دارد با تمرکز بر متن سخنان رهبر معظم انقلاب در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی و ارائه تحلیلی ثانویه و سامان‌مند از این متن، به تشریح نظریه بیداری اسلامی کمک کند.

لازم به ذکر است در مقطع انجام این تحلیل متن (آذر و دی ۱۳۹۰) هنوز برخی مواضع ایشان در این زمینه تصریح و تشریح نشده بودند. خوشبختانه سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های معظم‌له پس از تاریخ مذکور مشخص کرد که استنباط‌های نوشته حاضر به خطا نرفته‌اند.

نظریه‌های مطرح شده در باب تحولات منطقه در داخل کشور

۱. بیداری اسلامی

مقام معظم رهبری، از چندی پیش و قبل از وقوع تحولات در خاورمیانه، بیداری اسلامی را در منطقه تبیین و تشریح کرده‌اند که برای نمونه برخی از مهم‌ترین بیانات ایشان تا برگزاری اجلاس بیداری اسلامی ذکر می‌شود. ایشان در تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۸۹ در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث بعد از مطرح کردن نیازهای اساسی بشریت که همانا عدالت، صلح، امنیت و آرامش است فرمودند:

وضع دنیا عوض شده است؛ ملت‌ها بیدار شده‌اند؛ خوشبختانه این بیداری در ملت‌های مسلمان بیشتر است؛ ملت‌های مسلمان، حکومت‌های مسلمان، اهمیت اسلام و عظمت اسلام و عظمت این تکیه‌گاه مورد اعتماد و قابل اطمینان را دارند، درک می‌کنند. امروز بیداری اسلامی در دنیای اسلام موجب شده است که قدرت‌ها دیگر آن توانایی گذشته را نداشته باشند. وضع آمریکا امروز با گذشته فرق کرده است. قدرت‌های بعد از آمریکا هم وضعیتشان همین جور است؛ معلوم است. ملت‌های مسلمان باید راه توحید را مغتنم بشمرند و وعده الهی را صادق بدانند. امروز سعادت مسلمان‌ها در این است که بر محور اسلام با یکدیگر متحد شوند. البته دشمنی هست و خواهد بود. هر جا بیداری بیشتر باشد، دشمنان بشریت احساس خطر بیشتری می‌کنند؛ لذا دشمنی بیشتری می‌کنند. ما معنای دشمنی‌هایی را که امروز با جمهوری

به سوی نظریه بیداری اسلامی تحلیل کیفی متن بیانات مقام معظم رهبری ... □ ۴۵

اسلامی می‌شود، خوب می‌دانیم، خوب می‌شناسیم و علت این دشمنی‌ها را می‌دانیم؛ چون جمهوری اسلامی پرچم بیداری ملت‌های مسلمان را در دست گرفته است؛ چون جمهوری اسلامی ملت‌ها و دولت‌ها را به اتحاد و عزت دعوت می‌کند و می‌گوید ملت‌ها و دولت‌ها در سایه اسلام عزت خودشان را قدر بدانند. دشمنی به خاطر این است؛ این را ما میدانیم. (khamenei.ir/speech-content)

همچنین ایشان در ۲۴ آبان ۱۳۸۹ طی پیامی به حجاج بیت‌الله الحرام بیان داشتند:

گسترش موج بیداری اسلامی در دنیای امروز، حقیقتی است که فردای نیکی را به امت اسلامی نوید می‌دهد. از سه دهه پیش که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این خیزش پر قدرت آغاز شد، امت بزرگ ما بی‌وقفه پیش رفته، موانعی را از سر راه برداشته و سنگرهای را فتح کرده است. پیچیده‌تر شدن شیوه‌های دشمنی استکبار و تلاش پرهزینه‌ای که در مقابله با اسلام می‌کند نیز به دلیل همین پیشرفت‌ها است. ... امروز جبهه ضداسلام که دو قرن بر ملت‌ها و دولت‌های اسلامی تحکمی ظالمانه می‌کرد و منابع آنان را به یغما می‌برد، شاهد زوال نفوذ خود و ایستادگی دلیرانه ملت‌های مسلمان در برابر خود است و در نقطه مقابل، حرکت بیداری اسلامی در حال پیشروی و عمق‌یابی روزافزون است. (همان)

در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۸۹ نیز ایشان در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر ﷺ به نکاتی آسیب‌شناسانه به این شرح اشاره داشتند.

امروز دنیا در زیر بار سنگین تحمیلات ناشی از تمدن مادی به ستوه آمده است و دنبال راه نجاتی می‌گردد. آنچه که شما امروز از بیداری اسلامی در برخی از کشورهای اسلامی مثل مصر و تونس ملاحظه می‌کنید، یک نشانه و نمونه‌ای از به ستوه آمدگی بشریت است. وقتی شیاطین بر زندگی مردم غالب می‌شوند - که شیاطین انس از شیاطین جن خطرناک‌ترند - مستکبران عالم که در زندگی اجتماعی مردم، زندگی خصوصی مردم، در اقتصاد مردم، در فهم و بینش مردم دخالت می‌کنند و آنها را به راه‌های بیراهه می‌کشاند، زندگی فضای تاریک پیدا می‌کند و این فضای سنگین و تاریک با فطرت انسان‌ها ناسازگار است و بالاخره فطرت انسان بیدار می‌شود؛ این آن چیزی است که امروز دارد در دنیا اتفاق می‌افتد. دنیای غرب هم که اسیر چرخ پرتسلط قدرت مادی است، امروز به ستوه آمده است. ما مسلمان‌ها اگر می‌توانستیم اسلام را درست معرفی کنیم، اگر می‌توانستیم رفتار خودمان را منطبق با اسلام کنیم، مطمئن باشید دنیا به اسلام یک گرایش همگانی و عمومی پیدا می‌کرد ... امروز به برکت اسلام، ملت‌ها بیدار شده‌اند؛ این بیداری را در سطح دنیای اسلام انسان می‌تواند مشاهده کند. اولین اثر این بیداری، ابراز بی‌زاری از حضور مستکبرین در این منطقه است. آمریکایی‌ها، سیاست‌های آمریکایی، با تبلیغات فراوان تلاش می‌کنند که خود را از تیررس حرکت عظیم مردم که امروز در بعضی از کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود، دور نگه دارند؛

لیکن این ممکن نیست. این حرکت‌ها در درجه اول، علیه سلطه استکبار بر این منطقه است. آن چیزی که ملت‌ها را تحقیر کرده است، سلطه استکبار است؛ آن چیزی که موجب شده است ملت‌های مسلمان با یکدیگر دست برادری ندهند، یکدیگر را فهم نکنند، نیروهای خود را بر روی هم نگذارند و امت اسلامی به معنای واقعی شکل پیدا نکند، دسائس و دخالت‌های استکبار در این منطقه است؛ این باید جمع شود. (همان)

مقام معظم رهبری در ۱۶ شهریور ۱۳۹۰ طی بیانات مهم خود در نخستین اجلاس بیداری اسلامی به تشریح نظریه بیداری اسلامی پرداختند. ایشان اذعان داشتند:

بیداری مبارک اسلامی با غافلگیر کردن شیاطین منطقه‌ای و جهانی، مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن ساقط کرده، اما لازم است با توکل بر خدا، درس‌آموزی از تجربیات تاریخ معاصر جهان اسلام و تکیه بر عقل و عزم و شجاعت، صحنه همچنان سیال تحولات منطقه را مدیریت کرد و به سرانجام رساند ... در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر نظام ماندگار، مقتدر، شجاع و پیشروی جمهوری اسلامی در بیداری اسلامی، یقیناً فصل مهمی در تحلیل و تاریخ‌نگاری حقایق کنونی جهان اسلام است ... تحولات متکی بر مردم همچون کلمه طیبه الهی است و حضور تعیین کننده مردم در آن، با ترسیم آینده مطلوب، اجازه انحراف و سازش با دشمن را به خواص آلوده و عوامل نفوذی دشمن نمی‌دهد ... احیا و تجدید عزت و کرامت ملی پایمال شده به دست دیکتاتورهای فاسد و وابسته به آمریکا و غرب از اصول درجه اول انقلاب‌های کنونی است. (khamenei.ir/video-content)

نکته حائز اهمیت اینکه سیر تحولات نشان می‌دهد که در جریان تظاهرات مردمی در کشورهای مختلف، شعارهای اسلامی به صورت وسیع به کار برده شده است. همچنین احزاب و گروه‌های اسلامی در کشورهای عربی در نهضت‌های اخیر نقش داشته‌اند. این نقش در برخی از کشورها مانند مصر، بحرین و تونس چشمگیرتر بوده است؛ زیرا گروه‌های اسلامی دارای تشکیلات منسجم‌تر و پایگاه مردمی رفیع‌تری بوده‌اند. واقعیت دیگر این است که این خیزش‌ها عموماً از سوی جوانان و از طریق استفاده از رسانه‌های الکترونیک گسترش یافته است. گروه عظیم جوانان این کشورها به دنبال اعمال تغییرات متفاوت در زندگی خود از جمله بازگشت به هویت اسلامی و نیز ارتقاء وضعیت اشتغال و آموزش هستند.

نکته دیگر آنکه در کشورهای خاورمیانه، هویت ملی و هویت اسلامی تقریباً ممزوج شده است و به عنوان مثال نمی‌توان به راحتی میان ارزش‌های ملی مصر و ارزش‌های اسلامی مردم آن تمایز قائل شد. در دیگر کشورها نیز شعارها نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق مردم به ارزش‌های اسلامی گرایش دارند.

از این رو، هر چند که عوامل مورد نظر تحلیل‌گران دیگر نظریه‌ها در ایجاد بستر و زمینه ناآرامی‌های اخیر مؤثر بوده‌اند، اما باید اذعان کرد، اسلام و آموزه‌های اسلامی و رستاخیز آن در مقطع کنونی عامل اصلی و نیروی محرکه قیام‌های منطقه بوده است. خواست‌ها و مطالبات مذهبی اعلام شده در این قیام‌ها، فراگیری

شعارهای مذهبی به‌ویژه الله‌اکبر و استفاده از نمادهای مذهبی در راهپیمایی‌ها و جایگاه ممتاز روحانیان و شخصیت‌های مذهبی در آنها نشان از نقش پررنگ اسلام در این ناآرامی‌ها دارند.

مذهب به عنوان مبنایی معنابخش، نقش اساسی و تأثیرگذار در هویت‌یابی افراد در برابر غرب ایفا می‌کند و این امر به نوبه خود تقابل ملت‌ها با دولت‌های عربی طرفدار و متمایل به غرب را به همراه داشته است. فرایند نوسازی نیز که به درجات مختلف در کشورهای عربی در جریان است، احیای مذهب به عنوان عاملی اصلی در جهت هویت‌بخشی و تقویت هویت‌های فرهنگی بومی در برابر غرب را به همراه داشته است. (khmenei.ir/others-dialog)

۲. بیداری انسانی

رئیس‌جمهور کشورمان در کنفرانس خبری در فروردین ۱۳۹۰ اظهار داشت که موج عظیم بیداری انسانی در راه است. وی با اشاره به مسائل جهانی گفت:

... همان‌طور که پیش از این بارها تأکید کرده‌ام مشکل اصلی جامعه بشری مشکل مدیریت است. همه فاصله‌ها، تبعیض‌ها، نابسامانی‌ها، جنگ‌ها، تحقیرها، اشغال‌گری‌ها و تزییع حقه‌ها ناشی از مدیریت اشتباه جهان است. بیش از ۵۰ سال یک مدیریت با نگاه مادی و با هدف پرکردن جیب سرمایه‌داران و اقلیت سرمایه‌داران حاکم بر مراکز قدرت و ثروت بر جهان مدیریت می‌کند. دوره برده‌داری و دوره تاریک و سیاه استعمار را همین‌ها بر بشریت تحمیل کردند. (khabaronline.ir/news)

... خوشبختانه با بیداری ملت‌ها دوره برده‌داری پایان یافت، اما دوره سیاه استعمار جایگزین آن شد. باز هم دوره استعمار پایان رسید، ولی باز هم استعمار نو جای آن نشست. در دهه اخیر با بیداری عظیم انسانی، با گرایش گسترده ملت‌ها به عدالت و آزادی و کرامت انسانی، دوره زشت استعمار نو نیز به پایان خود نزدیک شد. اما استعمارگران که همان برده‌داران سابق‌اند برای نجات خود، برای نجات سرمایه‌ها و منافع نامشروع خود برای جای دنیا طراحی کردند. (همان)

به نظر می‌رسد، بیداری انسانی به این معناست که مردم کشوری به این جمع‌بندی رسیدند که باید خودشان را از استبداد داخلی و استعمار خارجی نجات دهند و به خوداتکایی و خودکفایی برسند. وجه مشترک «بیداری اسلامی» و «بیداری انسانی» در شناخت آفت و به کار گرفتن قلم و اندیشه و فداکاری برای نجات است. از دیگر اشتراکات، توجه به «مردم» به عنوان کانون اصلی تحولات است. به عبارت دیگر هر دوی این رویکردها نقش احزاب و گروه‌ها در این جنبش‌ها را ثانویه و حاشیه‌ای می‌دانند. اما این نظریه تفاوت‌ها و نقاط افتراق آشکاری نیز با دیدگاه مقام معظم رهبری دارد. برای تبیین بیشتر می‌توان با استفاده از سخنان و مواضع رئیس‌جمهور محترم و تا حدودی وزیر خارجه کشورمان طی حدود یک سال گذشته ویژگی‌ها و شاخص‌های ذیل را برای معرفی نظریه بیداری انسانی ارائه کرد:

۱. تحولات خاورمیانه ناشی از توطئه‌های آمریکایی - اسرائیلی است؛^۱
۲. این تحولات، فاز عملیاتی شعار «تغییر» اوباما، رئیس جمهور آمریکا است که شامل تغییر ملت‌ها، انسان‌ها و دیگران به نفع آنها می‌باشد؛
۳. بیداری ملت‌ها، امری جهانی است و مختص کشورهای اسلامی نیست. صرفاً به دلایلی در این کشورها تحولات زودتر و شدیدتر شکل گرفته است؛
۴. این نظریه مشکل اصلی بشر جدید را «مدیریت اشتباه و مادی» جهان می‌داند؛
۵. علت اصلی این طراحی آمریکایی - غربی - اسرائیلی، جلو انداختن پتانسیل خاموش و بالقوه تحول ملت‌ها در منطقه و مدیریت آن به سوی نقطه‌ای است که یا متمایل به غرب باشد و یا دست کم دشمنی با غرب نداشته باشد؛
۶. مهم‌ترین کلید واژه‌های مورد استفاده در ادبیات رئیس محترم جمهور درباره تحولات خاورمیانه، علاوه بر بیداری انسانی یا ملت‌ها، عبارتند از:
در بعد سلبی: توطئه، طراحی، هوشیاری، مدیریت جهانی، سلطه‌گری، تفرقه. (حاجی یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۴۸)
در بعد ایجابی: یگانه‌پرستی، صلح، عدالت، امنیت، دوستی، تفاهم، پاکی
در سخنان ریاست محترم جمهور درباره تحولات منطقه واژه‌هایی چون اسلام، مسلمانان، قرآن، پیامبر ﷺ و ... به مراتب کمتر استفاده شده است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد سعی شده است تا واژگان استخدامی، شمولی جهانی داشته باشد و کمتر تخصیص دینی یا مذهبی بخورد.
۷. مهم‌ترین توصیه این نظریه، توجه حکومت‌ها به حقوق، مطالبات و خواسته‌های مشروع مردم؛ تفاهم و گفتگو بین مردم و سران حاکم؛ انجام اصلاحات و تدوین مقررات لازم بدون دخالت غربی و پرهیز از اختلافات قومی و مذهبی است.

نظریه‌های مطرح شده در باب تحولات منطقه در سطح جهان

۱. بهار عربی

اصطلاح بهار عربی را هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا برای اشاره به تغییرات دموکراتیک در کشورهای عربی به کار برد. تحلیل گرانی که تحولات و خیزش‌های مردمی خاورمیانه را با عنوان بهار عربی توصیف می‌کنند، در سه گروه قرار می‌گیرند.

برخی عامل اصلی و ماهیت تحرکات مردمی را به مشی دموکراسی‌خواهانه و حقوق ناشی از آن پیوند می‌زنند. این دسته با تأکید بر آنکه تداوم سال‌ها اختناق و سرکوب در یک فرآیند زمانی، باعث انباشت

۱ برای نمونه در این زمینه در تاریخ ۹۰/۷/۱۹، آقای احمدی‌نژاد در مراسم رونمایی از مستند مهارنشد می‌گویند: «تردید ندارم پشت صحنه این حوادث، مستکبران و دشمنان ملت‌ها هستند». (www.president.ir)

خواست افکار عمومی برای مشارکت در حوزه‌های سیاسی شده و همزمان تحولات ناشی از جهانی شدن بر بسط دامنه نیازها و مشارکت دامن زده است؛ بر این اعتقادند که ماهیت این تحولات بیانگر یک روند اجتناب‌ناپذیر به سوی دموکراسی‌خواهی است.

گروه دوم در تحلیل ماهیت و ابعاد این تحولات وجه اقتصادی جریان را برجسته کرده و با اشاره به این مطلب که در غالب کشورهای دیگر در جریان تحولات عمومی وضع اقتصادی مردم در پرتو مدیریت ناکارآمد نخبگان حاکم و فساد مالی و اداری زیاد در شرایط نامطلوبی قرار گرفته، ریشه اصلی و ماهیت حرکت مردم در غالب این کشورها را با تکیه بر پاسخ به بی‌کفایتی اقتصادی تعبیر کرده‌اند.

سومین دسته، تحولات و خیزش‌ها را به ماهیت وابسته نظام‌های حاکم به کشورهای غربی مرتبط دانسته و قطع این پیوستگی را هدف انقلاب‌های مردمی می‌دانند. مجموعه این سه رویکرد در بررسی ماهیت انقلاب‌ها و خیزش‌های خاورمیانه در ذیل عنوان کلان بهار عربی جای می‌گیرد؛ بهاری که توسط مردم عرب در کشورهای عربی و فارغ از انگیزه‌های ارزشی صورت گرفت و هدف آنها نیز پاسخ‌گویی به کاستی‌های مادی بود.

در واقع می‌توان اصطلاح بهار عربی را تعبیری همچون انقلاب‌های رنگین دانست که به نوعی در اروپای شرقی در گذشته اعمال شده است و غربی‌ها در مقطع کنونی کوشیدند تحولات اسلامی در کشورهای مسلمان را با انقلاب‌های مذکور شبیه‌سازی کنند. قائلان به دیدگاه بهار عربی با این استدلال که علت ظهور ناآرامی‌ها و قیام‌های اخیر در کشورهای عربی مواردی نظیر ساختار استبدادی و اقتدارگرایانه نظام سیاسی، نبود نهادهای سیاسی متکثر، دامنه محدود مشارکت سیاسی و اجتماعی در کشورهای عربی و مواردی از این دست بوده است، این قیام‌ها را جنبش‌های ضد استبدادی و دموکراسی‌خواهانه در نظر می‌گیرند و بر همین مبنا آنها را بهار عربی می‌خوانند.

۲. انقلاب یاسمن

این عنوان برای توصیف حوادث و اتفاقات کشور تونس و شبیه‌سازی آن با انقلاب‌های رنگین، از سوی رسانه‌ها مطرح شد. این عنوان در شرایطی مطرح شد که صرفاً کشور تونس درگیر تحولات داخلی بود و احتمال سرایت انقلاب تونس به دیگر کشورهای عربی از جمله مصر به وسیله تحلیل‌گران از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. خانواده بن‌علی در شهر توریستی حمامات دارای ویلاهای بزرگ و تفریحگاه‌های مجللی بودند و گفته می‌شود نخستین جرقه‌های انقلاب اخیر این کشور از همین مناطق شروع شد. به همین دلیل و به تناسب گل‌هایی که اطراف این ویلاها به چشم می‌خورد، انقلاب تونس را انقلاب یاسمن می‌نامند. انتخاب نام انقلاب یاسمن که برای نخستین بار توسط یک روزنامه‌نگار و فعال سیاسی تونس به نام «زیاد الهانی» در ۱۱ ژانویه مطرح شد، به سرعت مورد پذیرش همگانی قرار گرفت. این روزنامه‌نگار تونسی در مورد علت نامگذاری قیام مردمی کشورش به نام «یاسمن» گفت: «همیشه در ذهنم به دنبال نامی مناسب برای قیامی بودم

که مردم کشورم آن را پس از ۲۳ سال آغاز کرده بودند و جرقه اولیه انتخاب نام آن در روز ۱۱ ژانویه زده شد». الهانی می‌گوید:

نام انقلاب یاسمن در اجتماع تاریخی در مقابل اتحادیه روزنامه‌نگاران تونس در یازدهم ژانویه به ذهنم خطور کرد؛ چرا که همکارم «العروسی» در این اجتماع پرشور طی سخنانی تأکید کرد که نباید در مقابل خشونت بی‌حد و حصر حکومت عقب‌نشینی کنیم، ولی باید در مقابل این اقدام آنها، به ارتش شاخه گلی اهدا کنیم. از طریق اینترنت پیشنهاد نام «عروش یاسمین» را برای قیام مردمی دادم؛ چرا که گل عروش می‌توانست سمبل تونس‌ها باشد، اما بازم این نام را تغییر داده و برای آن «ثوره الیاسمین» را انتخاب کردم و این نام تا ۱۳ ژانویه و قبل از اینکه از سوی پلیس و نیروهای امنیتی مورد پیگرد قرار بگیرم و وبلاگم بسته شود، به سرعت همه‌گیر شد و بر سر زبان‌ها افتاد و بعدها کلمه (عروش) که نام گلی در تونس و سمبل صفا و صمیمیت است خود را به یاسمن تغییر داد و مانند همه انقلاب‌ها به عنوان سمبلی برای حرکت و قیامی مردمی شد که دودمان زین‌العابدین بن علی را پس از ۲۳ سال بر باد داد. (www.islamtimes.org)

باتوجه به این تاریخچه مختصر، عنوان انقلاب یاسمن را بیشتر باید یک نامگذاری جذاب دانست تا نظریه‌ای قابل اعتنا برای تبیین تحولات منطقه. توجه به وجهی از فرم یا شکل مبارزات، گرچه می‌تواند تئوری‌های مرتبط با انقلاب‌های مخملی یا رنگی را به ذهن متبادر کند اما استفاده‌کنندگان و واضعان این عبارت در تحلیل تحولات، چیزی فراتر از صاحبان عبارت «بهار عربی» ارائه نکرده‌اند.

روش منتخب برای تحلیل متن

روش‌ها و شیوه‌های کمی، کیفی و ترکیبی گوناگونی برای تحلیل، فهم و قرائت یک متن وجود دارد. تا آنجا که امروزه شاید بتوان از ده‌ها روش و صدها تکنیک در این زمینه نام برد. اما در دهه‌های اخیر، روش‌های کمی تحلیل متن مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. از اواخر قرن بیستم که مخالفت‌ها با تحلیل کمی و صوری متن بدون عنایت به «محتوای پنهان» و «زمینه آن» قوت گرفت توجه محققان به روش‌های کیفی و یا تلفیقی توسعه یافت. (Mayring, 2000: 3) به عنوان مثال به‌کارگیری انحصاری روش تحلیل محتوای کمی، در بسیاری از موارد با نواقصی روبه‌روست.

آن‌گونه که از تعاریف برمی‌آید، توجه صرف به پیام‌های آشکار، غلبه ارزش‌های عددی و کمی و روش‌های آماری، تکرارپذیری نمادهای ارتباطی، عینی بودن و مرکزیت محتوای متن، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مقوم تحلیل محتوای کمی است. (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۲۸۰؛ رایف و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵) ضمن آنکه در تحلیل محتوای کمی، با مقولاتی از پیش تعیین شده مواجهیم که معمولاً از دل نظریه‌های مطرح در رشته‌های مختلف علوم انسانی استخراج شده‌اند.

مهم‌ترین کاستی‌های این روش عبارتند از:

۱. کم‌توجهی به بافت تولید یا مصرف متن؛ یعنی شرایط نزدیک و یا کلانی که متن در آن تولید و یا در آن قرائت و فهم شده است چندان مورد توجه و بررسی محقق قرار نمی‌گیرد؛
 ۲. افراط در توجه به کمیت و ارزش‌های عددی؛ حال آنکه فراوانی و یا اندکی تکرار یک واحد در متن، با افزونی و یا کاستی اهمیت مقوله مرتبط با آن، رابطه‌ای الزامی ندارد؛
 ۳. کم‌توجهی به «درون‌فهمی» و به تبع آن پیام‌های پنهان و چند لایه‌ای متن؛
 ۴. تحمیل نسبی الگوهای نظری پیشین بر متن. به عبارت دیگر روش تحلیل محتوای کمی از توابع کافی برای کاشفیت اغراض متن برخوردار نیست؛
 ۵. پیش‌فرض غیرواقعی «کنترل تأثیر متقابل محقق و تحقیق».
- روش‌های کیفی تحقیق در تلاشند با اتخاذ ویژگی‌ها و استراتژی‌های ذیل (فلیک، ۱۳۸۷: ۸۴) از نواقص مذکور عبور کنند:

یک. تناسب نظریه‌ها و روش‌ها؛

دو. تأثیر متقابل محقق و تحقیق؛

سه. تنوع رویکردها و روش‌ها در تحقیق کیفی؛

چهار. درون‌فهمی به منزله اصل معرفت‌شناختی؛

پنج. برساخت واقعیت و تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی بافت متن در آن.

مبتنی بر این پیش‌گفته، روش منتخب برای تحلیل متن سخنان رهبر انقلاب در اجلاس بین‌المللی

بیداری اسلامی، تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی شامل سه سطح خواهد بود.

در سطح اول مواجهه‌ای زبان‌شناختی با متن خواهیم داشت. اما آشکارا روشن است که استفاده صرف از

نظریه‌های ساختارگرایانه برای این تحلیل کافی نبوده و ناچار به استفاده از روش‌های جامع‌تری هستیم. به

عنوان مثال لازم است علاوه بر توجه به سطوح واژگانی و دستوری، همانند روش‌های تحلیلی مکتب‌نقش‌گرا،

به سطوح معناشناسی و بافت موقعیت نیز توجه شود. (Hasan, 1992: 254) در این مرحله، از روش تحلیل

گفتمان انتقادی فرکلاف نیز به دلیل ارائه ابزارهای زبان‌شناختی می‌توان بهره برد. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۸)

علاوه بر آن و در سطحی بالاتر، از تحلیل‌های نشانه‌شناختی، به‌ویژه تکنیک‌های نشانه‌شناسی لایه‌ای

بهره خواهیم برد. این روش به ما کمک خواهد کرد تا میزان حضور رمزگان‌های مختلف در لایه‌های چندگانه

متن را استخراج کنیم. (سجودی، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

برای ارائه نهایی نتایج حاصل از اعمال مراحل پیشین نیز از مدل صورت‌بندی تحلیل گفتمانی لکلاو -

موفه یا به عبارت دیگر روش مفصل‌بندی گفتمانی استفاده خواهیم کرد.

این روش ترکیبی به تحلیل‌گر این امکان را می‌دهد تا ضمن توجه کافی به خردترین سطوح تحلیل در حد واژگان، بند و جمله؛ به سطوح کلان‌تری در حد رمزگان‌ها و گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی نیز توجه کند. برای تحقق چنین امری، پاسخ اجمالی به پرسش‌های اولیه ذیل ضروری است:

۱. هدف از تحلیل متن؛
۲. نوع متن (نوشتاری، صوتی، تصویری، فضای مجازی، عمل یا رخداد اجتماعی، معماری و ...)
۳. منبع تولید یا فاعل متن (فرد، حزب، گروه، ارگان رسمی، نهادهای اجتماعی، نامعلوم ...)
۴. میزان اقتدار منبع متن (اعم از رسمی، غیررسمی، مادی و معنوی)؛
۵. بافت و موقعیت بلافصل تولید متن (شرایط حاکم بر محل تولید متن)؛
۶. شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بومی، ملی، منطقه‌ای و جهانی؛
۷. مشارکان در متن (مخاطبان، کاربران، حاضران در محل سخنرانی، اطراف یک گفتگو، پیروان، هواداران، اعضا و ...)

۸. دیگر متون مرتبط با متن مورد نظر (بررسی‌های بینامتنی).

پاسخ‌های تحلیل‌گر به پرسش‌های مذکور، به اعمال صحیح و متناسب روش تحلیل کمک شایانی خواهد کرد. برای بررسی متن سخنرانی رهبر معظم انقلاب در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی می‌توان این پاسخ‌های موجز را به ترتیب در نظر گرفت:

۱. هدف از تحلیل این متن، دستیابی به چارچوب نظری و مفهومی نظریه بیداری اسلامی است. به عبارت دیگر، همراهی با فرایند یک «تولید و یا بسط نظری»، هدف اصلی این تحلیل است؛
۲. هرچند متن مورد نظر، توسط مقام معظم رهبری قرائت و به طور زنده و تصویری پخش شد اما موضوع اصلی تحلیل حاضر صرفاً متن نوشتاری این سخنرانی است؛
۳. منبع تولید پیام یا متن، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است؛
۴. از نظر نگارنده، فاعل متن، دارای اقتدار رسمی و غیررسمی، مادی و معنوی در سطح کشور و جهان هستند؛ به‌گونه‌ای که موضع‌گیری ایشان برای منابع گوناگون قدرت و اقتدار در سطوح مختلف - مخالف و موافق - مهم بوده و از سوی آنان مورد ارزیابی و مذاقه قرار می‌گیرد. این جایگاه به‌ویژه در موضوع مورد نظر (تحولات منطقه) انکارناپذیر است؛
۵. این متن در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی واقع در پایتخت جمهوری اسلامی ایران، به صورت حضوری برای شرکت‌کنندگان اجلاس بیداری اسلامی و بدون هیچ تغییری قرائت شد؛
۶. شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران، منطقه خاورمیانه و جهان در هنگام برگزاری این اجلاس باید مورد نظر باشد. (مباحث هسته‌ای ایران، تحریم‌های جدید، حوادث سوریه، فعالیت کشورهای چون

ترکیه، قطر و عربستان و نیز برخی کشورهای غربی در حین حوادث مذکور؛ شرایط حاکم بر کشورهای مورد نظر چون مصر، تونس، لیبی و ...؛ مدل‌های حکومتی در کشورهای اسلامی؛ هویت‌های تاریخی این کشورها و ...؛

۷. مخاطبان مستقیم و بلاواسطه این نوشتار، صدها اندیشمند و یا مبارز و فعال در تحولات منطقه از کشورهای مختلف اسلامی بوده‌اند. در عین حال پخش مستقیم و زنده آن از شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی (پرس‌تی‌وی و العالم) امکان استماع سخنرانی از سوی مخاطبان این رسانه‌ها را نیز فراهم آورده بود؛

۸. دیگر متون مرتبط عبارتند از سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و موضع‌گیری‌های صاحبان دیگر نظریه‌های مطرح در این زمینه، مواضع رهبران و فعالان مختلف جنبش‌های منطقه، موضع‌گیری رسمی مقامات کشورهای ذی‌نفع اعم از غربی و اسلامی، منابع مورد استفاده همچون قرآن، روایات، اشعار و شخصیت‌های مورد اشاره در متن (به صورت ضمنی و تصریحی)

نتایج تحلیل

مقام معظم رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی به تحلیل خیزش‌های مردمی مسلمانان کشورهای عربی پرداخته و در تبیین نظریه بیداری اسلامی ابتدا به پیش‌زمینه‌ها و سپس به بحث پیرامون تبارشناسی، خطرات و مخاطرات و پیشگیری از به انحراف کشیده شدن این انقلاب‌ها پرداختند.

۱. تعریف بیداری اسلامی

مقام معظم رهبری در تعریف بیداری اسلامی بیان داشتند:

بیداری اسلامی، یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.

در این تعریف:

الف) این نظریه که تحولات منطقه حاصل برنامه‌ریزی و طراحی دقیق آمریکا و متحدانش می‌باشد، رد شده است. چه اینکه برخی از تحلیل‌گران داخلی و خارجی قیام‌های کشورهای اسلامی را پیگیری سیاست تغییر^۱ اوباما دانسته‌اند. اما تعریف مذکور این اشراف را دست‌کم در آغاز یا ادامه نهضت‌ها منتفی می‌داند.

ب) ملی - اسلامی - ضد استکباری و ضد استبدادی بودن نهضت‌های منطقه چهار ویژگی این خیزش‌هاست.

ج) استفاده از واژگان متعدد و متنوع مانند برانگیختگی، قیام، حالت آگاهی، انقلاب و خیزش، نشان می‌دهد

1. Change.

که از نظر ایشان هیچ یک از قیام‌ها به سرمنزل نهایی نرسیده است و هنوز در مرحله گذار خود به سر می‌برند. (د) تقدم آگاهی و برانگیختگی ابتدا در ساحت امت اسلامی رخ داده است و سپس در میان ملت‌های مختلف منطقه متجلی شده است. تقدم «امت اسلامی» بر «ملت‌های منطقه» حاکمیت نوعی بینش «تمدنی» بر نظریه بیداری اسلامی است.

۲. زمینه‌های جنبش بیداری اسلامی

موارد مطرح شده در مورد پیش‌زمینه‌های قیام‌های مردمی را می‌توان به دو محور ایجابی و سلبی تقسیم‌بندی کرد.

پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی، شخصیت‌های فکری و چهادی بزرگ اسلامی	عام	ایجابی	زمینه‌های بیداری اسلامی
تجربه انقلاب کبیر ایران اسلامی	خاص		
رژیم‌های دیکتاتوری این کشورها که در دام قدرت‌های استکباری و استعماری غرب افتادند	عام	سلبی	

جدول شماره ۱: انواع زمینه‌های جنبش بیداری اسلامی

یک. زمینه‌های ایجابی

در مورد پیش‌زمینه‌های ایجابی باید اذعان داشت که اعراب، از زمانی که با دولت‌های اروپایی آشنا شدند، به عمق عقب‌ماندگی خود و توسعه و پیشرفت اروپایی‌ها پی بردند. تاکنون راهکارهای متعددی برای جبران این عقب‌ماندگی ارائه شده است که یکی از آنها بازگشت به اسلام به مثابه دین و تمدن است. براساس تقسیم‌بندی که در کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی (ولایتی، ۱۳۸۷: ۲۳۷) صورت گرفته است، چهار نوع گرایش برای پاسخ به علل عقب‌ماندگی مسلمین به وجود آمده‌اند که عبارتند از:

یک. گرایش تمدن‌گرا - عرب‌گرا (با شخصیت‌هایی نظیر طنطاوی در مصر و خیرالدین پاشای تونسوی شناخته می‌شود)

دو. گرایش تمدن‌گرا - اسلام‌گرا (سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده از سرآمدان این گرایشند)

سه. گرایش اسلام‌گرایی سنتی (رشیدرضا طرفدار بازگشت به روش و سیره بزرگان اسلام بود)

چهار. اسلام‌گرایی اصول‌گرا (حسن‌البناء به عنوان بنیان‌گذار اخوان المسلمین در مصر و به‌ویژه حضرت امام رضی الله عنه از چهره‌های شاخص این جریان از بیداری اسلامی‌اند)

بررسی متن پیام رهبری معظم انقلاب، تعریف ایشان از بیداری اسلامی، نوع نگاه ایشان به جریان‌ات مصر (که در ادامه خواهد آمد) و بیان تجربیات انقلاب اسلامی ایران آشکارا نشان می‌دهد از دیدگاه ایشان احیای کرامت و تمدن اسلامی در کشورهای منطقه ریشه در دسته چهارم دارد.

ژاک برک در تحلیل اصول‌گرایی اسلامی، ناتوانی کشورهای اسلامی را در ارائه مدل‌های متناسب با

عصر تکنیک و تمدن در قرن بیستم، زمینه‌ساز افراطی شدن آنها می‌داند. وی مهم‌ترین علت درونی را توقف اجتهاد و سرکوب حرکت‌های اصلاحی به نام مبارزه با بدعت می‌داند. در واقع، این شکست‌ها در کنار ناتوانی در اجرای اصلاحات، به عنوان یک تراژدی غمبار، روح اعراب را آزرده ساخته است و آنان را در طیفی از انفعال تا تندروی سیاسی سرگردان ساخته است. (همان: ۲۴۲)

حسن البناء، بنیان‌گذار اخوان المسلمین، درباره اصلاح‌گران اسلامی چنین نظر می‌دهد:

اسدآبادی فقط یک فریاد هشدار برای مشکلات است و شیخ محمد عبده فقط یک معلم و فیلسوف و رشید رضا فقط یک تاریخ‌نویس و وقایع‌نگار است، درحالی‌که اخوان المسلمین به معنی جهاد، تلاش و کار است و فقط یک پیام نیست. (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۲۱)

اخوان المسلمین جنبشی سیاسی - مذهبی است که به دنبال دگرگونی‌های اساسی در جوامع اسلامی است. یکی از اعتقادات اساسی اخوان المسلمین «قدرت تفوق‌ناپذیر اسلام در حل مسائل اجتماعی و سیاسی مسلمین است» که در واقع جوهر اصول‌گرایی اسلام‌گرایی است.

نهضت امام خمینی علیه السلام اوج‌گرایی اصول‌گرایی اسلامی است که دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان تحت تأثیر موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی توانا شدند. تفکر و طرح امام خمینی علیه السلام در واقع تلفیقی از هویت و زندگی در جهان معاصر بود، درحالی‌که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سید جمال به دنبال توسعه و تجدد بودند و برخی هم به صورت کمرنگی بر هویت تأکید می‌کردند. همان‌گونه که امام خمینی علیه السلام به دنبال احیای هویت اسلامی بود، توسعه نیز در گفتمان وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود؛ توسعه‌ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می‌شد. نظریه سیاسی امام منحصراً در قالب و شکل اسلامی مطرح می‌شد و همین امر موقعیت و ویژگی متمایزی به امام خمینی علیه السلام در جنبش اسلام‌گرایی در جهان اسلام می‌دهد.

همچنین انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی علیه السلام، به عنوان پیش‌زمینه‌ای خاص در تولد و تحرک بسیاری از جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام نقش داشته است. افول قوم‌گرایی، ناسیونالیسم و لائسیسم، راه را برای حضور قدرتمندانه اسلام‌گرایی در منطقه مهیا کرد و انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی هم تأثیر فراوانی در این روند گذاشت. در میان رهبران بیداری اسلامی در جهان عرب، اندیشه‌های سید قطب تا حدی به اندیشه‌های امام نزدیک بود.

آیت‌الله خمینی و سید قطب هر دو راه حل نهایی مسائل را در راهی می‌دیدند که برای فهم اسلام داشتند. هر دو جهان را به صورت تقابل ما و آنها در نظر می‌گرفتند. آیت‌الله خمینی دو قطب این تقابل را مستضعف و مستکبر می‌نامید و سید قطب آن دو را جاهلیت و اسلام؛ هر دو آن دسته از بخش‌های جهان که نظام اسلامی بر آن حاکم نیست - و در اینجا می‌توانیم آن بخش‌هایی را نیز که رفتار دینی بر آنها حاکم نیست به آن دسته اضافه کنیم - قلمرو جاهلیت و استکبار دانسته‌اند. (رجایی، ۱۳۸۰: ۶۹)

در نظر اندیشمندی چون امام و سید قطب، اسلام هم دین است و هم دولت؛ و ارزش‌ها و الگوهای رفتاری غرب نمی‌تواند با ارزش‌های اسلامی سازگار باشد.

دو. زمینه‌های سلبی

اشاره به انحرافات دارد که مردم در انقلاب‌های دهه‌های پنجاه و شصت در کشورهای خود مشاهده کردند. آیت‌الله خامنه‌ای در قسمتی از بیانات خود پیرامون بیداری اسلامی با مقایسه انقلاب‌های مذکور با خیزش عظیم مردمی در حال حاضر وجوه تمایزی را برشمردند. نقش دستجات کودتاگر و مسلح و نفوذ دوباره استعمار برای به انحراف کشیدن این انقلاب‌ها از مهم‌ترین شاخصه آنهاست.

بررسی متن سخنان رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ما را به جدول ذیل رهنمون می‌کند:

بیداری اسلامی کنونی	رژیم‌های قبلی حاصل از قیام‌های دهه ۵۰ و ۶۰ م
اسلامی و بُعد ملی	متماایل به تفکرات و ایدئولوژی‌های مادی
ضداستکبار و ضد استبداد	وابسته شده، در دام استکبار و استعمار غرب افتادند.
حاصل حضور عموم مردم	حاصل فعالیت جمعی نظامی و یا دستجات کودتاگر یا هسته‌های کوچک و محدود مسلح
مردم و نخبگان صالح و مردمی باید از این انحراف جلوگیری کنند	تغییر یا انحراف مسیر انقلاب‌ها توسط نسل اول یا دوم انقلاب
با سرعت کمتر	با سرعت بیشتر
پایدار و عمیق	سطحی و ناپایدار
منجر به مردم‌سالاری اسلامی	منجر به دیکتاتوری
پرهیز از تحجر و قشری‌گری	مرجع

جدول شماره ۲. مقایسه حوادث ۵۰ و ۶۰ میلادی با انقلاب‌های کنونی

سه. هویت انقلاب‌ها و زنجیره‌های تمایز و هم‌ارزی

در اوائل متن مورد پژوهش، چهار اصل ذیل به عنوان اصول بیداری اسلامی قابل استنتاج است:

یک. ملیت؛ (احیای تجدید عزت و کرامت ملی)

دو. اسلام؛ (برافراشتن پرچم اسلام و برخورداری از امنیت روانی و عدالت و پیشرفت در سایه آن)

سه. استکبارستیزی؛ (و ایستادگی در برابر نفوذ آمریکا و سلطه اروپا)

چهار. صهیونیسم‌ستیزی؛ (مبارزه با رژیم صهیونیستی به عنوان عامل نفوذی استکبار در منطقه)

البته در ادامه به ارکانی چون استقلال، آزادی، عدالت‌خواهی، تسلیم نشدن در برابر استبداد و استعمار، نفی

تبعیض‌های قومی و نژادی و مذهبی نیز اشاره می‌شود.

به سوی نظریه بیداری اسلامی تحلیل کیفی متن بیانات مقام معظم رهبری ... □ ۵۷

اما از آنجا که پاسخ به هویت؛ پاسخ به کیستی «خود» و چیستی (یا کیستی) «غیر» است، کشف زنجیره‌های تمایز و هم‌ارزی از اهمیت خاصی برخوردار است.

نکته مهم آنکه نفی دسته‌ای از مفاهیم و مصادیق کلیدی و مبنایی از یک گفتمان، به طور منطقی ناظر بر نفی بسیاری از دقایق و عناصر تثبیت معنا شده است و عمق تمایز دو گفتمان رقیب را از همان خاستگاه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی به رخ می‌کشد. (آجیلی، ۱۳۸۹: ۹۲)

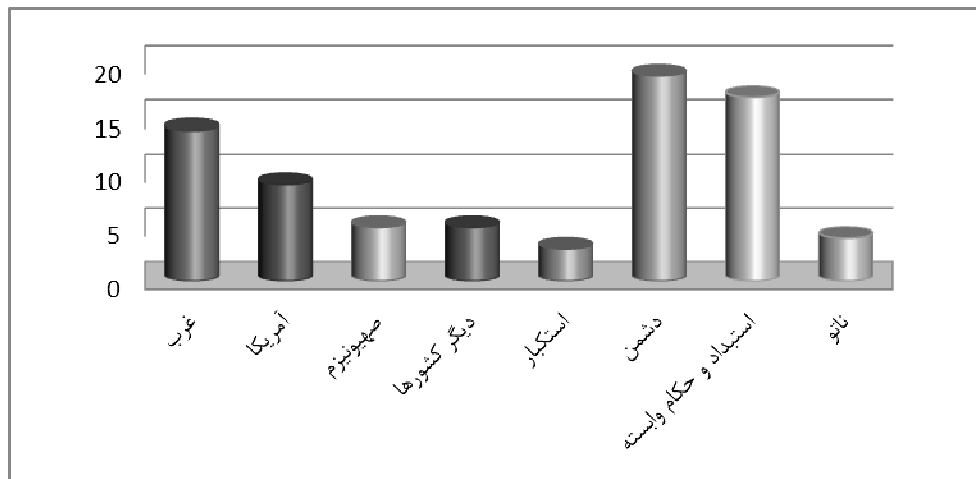
از این رو کشف زنجیره‌های تمایز، به فهم گفتمان غیر (اینکه چه کسی یا چه چیزی نیستیم) کمک می‌کند. از سوی دیگر اثبات و تأیید مجموعه‌ای از مفاهیم و مصادیق مبنایی، به تشکیل زنجیره هم‌ارزی و در نتیجه شکل‌گیری گفتمان خودی منجر می‌شود.

در موضوع «بیداری اسلامی» نیز مبتنی بر متن سخنان مبدع آن (رهبر معظم انقلاب اسلامی) دو نقشه استعاره «غیر» و «خودی» قابل ترسیم است.

جدول و نمودار ذیل فراوانی مفاهیم و مصادیق مورد نفی در این متن را نشان می‌دهد:

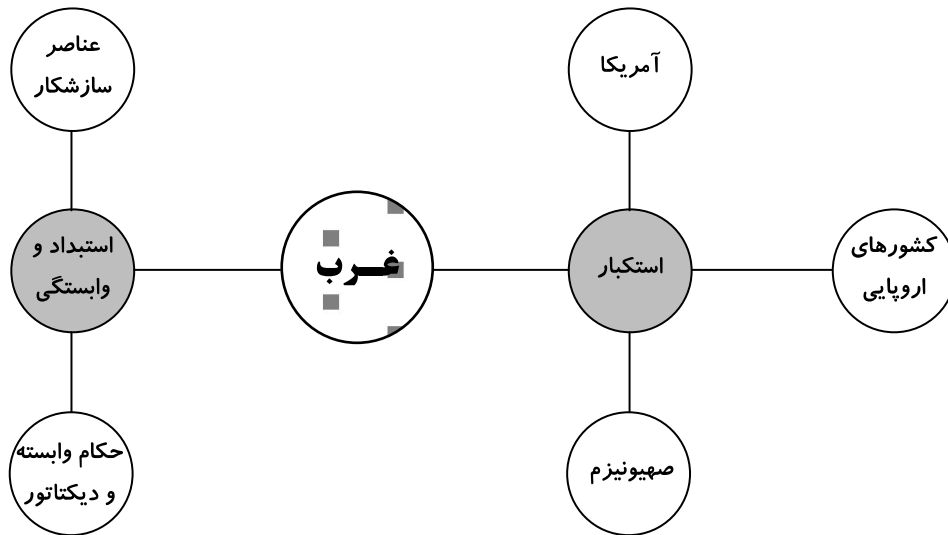
غرب	آمریکا	صهیونیسم	دیگر کشورها	استکبار	دشمن	استبداد و حکام وابسته	نا‌تو
۱۴	۹	۵	۵	۳	۱۹	۱۷	۴

جدول شماره ۳: فراوانی مفاهیم و مصادیق گفتمان «غیر»



نمودار شماره ۱: فراوانی مفاهیم و مصادیق گفتمان «غیر»

از ارتباط مفهومی و ساختاری بخش‌های (پاراگراف‌های) مختلف متن و تحلیل‌های زبان‌شناختی آن در کنار آمار کمی واژه‌ها و استعاره‌ها می‌توان نمودار شماره ۲ را حاصل زنجیره‌های نفی دانست:



نمودار شماره ۲: نقشه استعاری صورت‌بندی گفتمانی «غیر»

از سوی دیگر «مردم» و «مردمی بودن» نقشی کانونی در نظریه بیداری اسلامی دارد. تا آنجا که این واژه و دیگر عبارات و کلمات هم‌معنای آن بیشترین فراوانی را در متن مذکور دارند.

اما از این تکرار چشمگیر نباید به این نتیجه رسید که دال مرکزی گفتمان و هویت خودی، «مردم» یا «ملت» هستند؛ بلکه به نظر می‌رسد اهمیت جایگاه توده‌های مردمی در این اندیشه از یک سو به دلیل مسلمان بودن و اسلام‌خواهی آنان است و از سوی دیگر تلاش برای نیفتادن در غلتان قیام‌های مردمی در مسیرهای انحرافی و یا بدیل داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر، «مردمی بودن» نه مهم‌ترین عنصر هویتی که مهم‌ترین عنصر تشکیل هویت این انقلاب‌هاست.

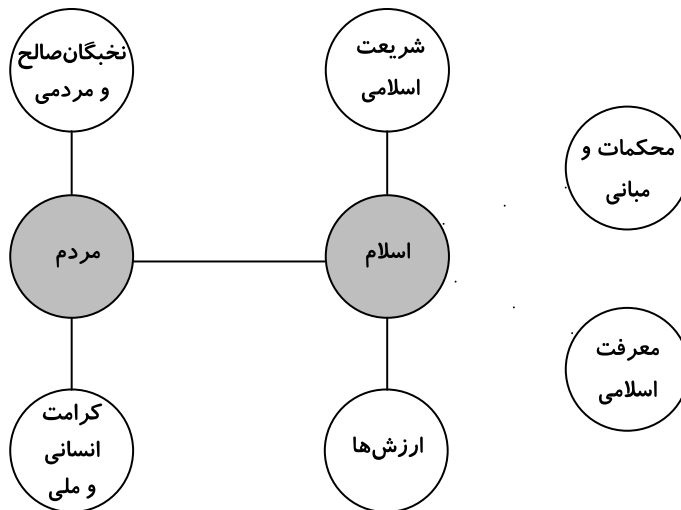
جدول و نمودار ذیل فراوانی برخی واژه‌ها و نیز نقشه استعاری پیشنهادی برای گفتمان خودی را

نشان می‌دهد:

۲۰	ملت
۲۴	مردم
۴۴	مجموع

۳۵	اسلام
----	-------

جدول شماره ۴: فراوانی برخی واژه‌ها برای گفتمان خودی



نمودار شماره ۳: نقشه استعاری صورت‌بندی گفتمان «خودی»

در این میان وظایف مردم عبارتند از:

۱. ساختن شعارها و تعیین هدف‌ها؛
۲. شناسایی، معرفی و تعقیب دشمن؛
۳. ترسیم اجمالی آینده مطلوب؛
۴. جلوگیری از انحراف، سازش با دشمن و تغییر مسیر انقلاب‌ها توسط: خواص سازشکار و آلوده؛ و عوامل نفوذی دشمن.

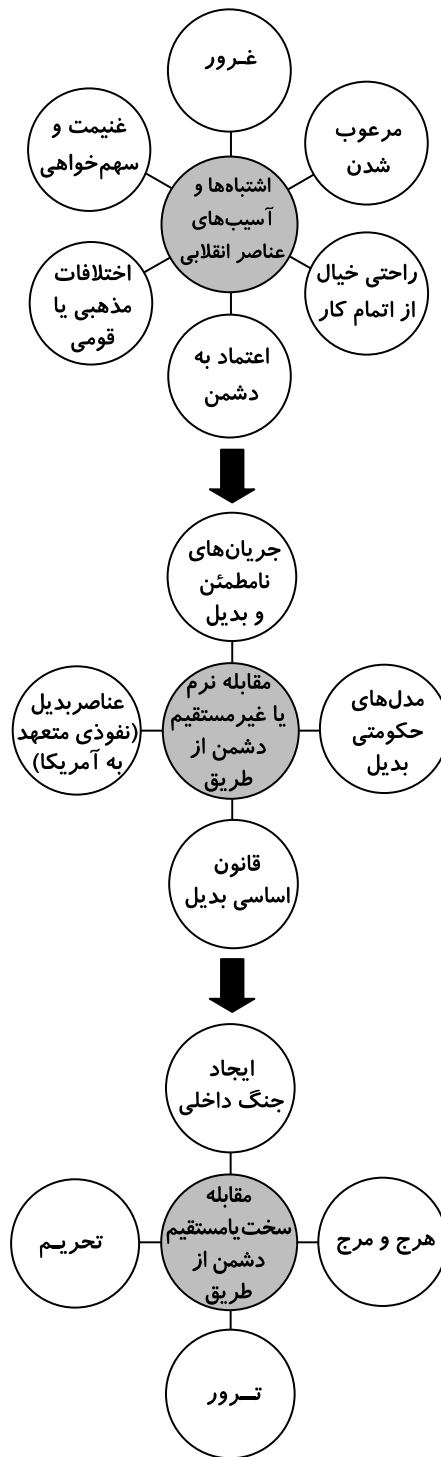
چهار. آسیب‌ها و خطرات پیش روی جنبش‌های اسلامی

در نظریه بیداری اسلامی خطرات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول از ضعف‌های جبهه خودی ناشی می‌شود ولی دسته دوم ناشی از برنامه‌ریزی مستقیم دشمن است.

رهبر معظم انقلاب علاوه بر ارائه یک گونه‌شناسی از آسیب‌ها و خطرات پیش روی انقلابیان، مراحل و اولویت‌های زمانی برنامه‌ریزی‌های دشمن را نیز پیش‌بینی می‌کنند.

براساس متن مورد تحلیل، به نظر می‌رسد مقابله نظام سلطه در قبال بیداری اسلامی، خود به دو دسته نرم و سخت قابل تقسیم است. البته طبیعی است که مرحله نخست مواجهه دشمن، استفاده از روش‌های غیرمستقیم برای انحراف مسیر باشد.

چنانچه نقاط آسیب‌پذیری داخلی را مقدم بر هر آسیب دیگر بدانیم، نمودارهای ذیل، گویای سامانه آسیب‌ها خواهد بود.



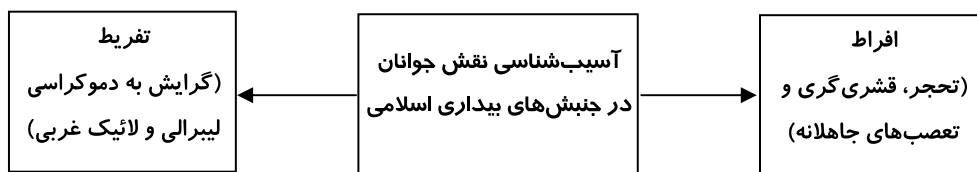
نمودار شماره ۴: نقشه استعاری آسیب‌ها و خطرها و مراحل آنها

پنج. جوانان و بیداری اسلامی

تأکید صریح رهبر معظم انقلاب، اعتماد به جوانان در کنار انتقال تجربه‌های پیران است. اما بلافاصله «دو نکته» را بیان کرده‌اند.

قرار گرفتن این دو نکته در این موقعیت متنی، نشان می‌دهد که ایشان بیشتر در مقام بیان دو «آسیب» هستند؛ دو آسیبی که گرچه همگان باید از آن پرهیز کنند اما بیش از پیران، جوانان در معرض آن هستند؛ چراکه یکی از آنان حاصل افراط و دیگری محصول تفریط است. دو حالت متضاد که ممکن است از روح جستجوگر و تاحدودی هیجانی دوران جوانی سوءاستفاده کنند.

یک سوی این نمودار به افراط، تحجر، قشری‌گری و تعصب‌های جاهلانه می‌انجامد و سوی دیگرش به دموکراسی لیبرال یا لائیک غربی. دو مدل به ظاهر متضاد از اندیشه و حکومت که هر یک برای توجیه جوانان پاک و انقلابی به‌ویژه در دوران تغییرات سریع اجتماعی ابزارهای فریبایی دارند.



نمودار شماره ۵: دوسویه آسیب‌های جوانان در بیداری اسلامی

شش. برخی نتایج تحلیل زبانی، روایی و ساختاری متن

رهبر معظم انقلاب برای باورپذیری و اقناع هر چه بیشتر مخاطبان خاص در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی از ظرافت‌های بیانی و زبانی دقیقی نیز بهره جسته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. در متن مذکور تلاش شده است تا در فرازهای گوناگون با حضاران در جلسه و عقبه اعتقادی و زبانی آنان همدلی و هم‌زبانی شود؛ از جمله در خطبه ابتدایی پیام، علاوه بر محمد و آل محمد ﷺ بر «صحابه المنتجبین» نیز سلام و صلوات فرستاده شده است.

تکریم صحابی پیامبر اعظم ﷺ، نوعی همدلی با مخاطبینی است که اعتقاد ویژه‌ای به اصحاب حضرت رسول ﷺ دارند.

۲. همان‌گونه که گذشت، تقدم «امت اسلامی» بر «ملت‌های منطقه»، به لحاظ معناشناسی نوعی وحدت مسیر را نشان می‌دهد. ایشان در تعریف بیداری اسلامی و در دیگر فرازها با نگاهی تمدنی به جنبش‌های منطقه، آگاهی و برانگیختگی را ابتدا شامل تمامی امت اسلامی می‌دانند که اکنون در ملت‌های مختلف متجلی شده است.

۳. در تبیین نقش و جایگاه ایران در بیداری اسلامی، رهبر معظم انقلاب ضمن بیان تأثیرگذاری ویژه و ممتاز

انقلاب اسلامی ایران، حتی‌المقدور از ایجاد حساسیت‌های کاذب در میان میهمانان این اجلاس جلوگیری نموده‌اند. به عنوان مثال ایشان در همان جملات ابتدایی سخنان خود، نام ایران را لابه‌لای دیگر کشورها قرار می‌دهند (مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از ...) و یا آنگاه که از جایگاه انقلاب ایران سخن می‌گویند، تأثیر آن در بیداری اسلامی را در خور بحث و تحقیق می‌دانند (نه اینکه مستقیماً بیداری اسلامی را نتیجه انقلاب ایران اعلام کنند).

۴. استخدام واژه‌ها، متناسب با میهمانان اجلاس انجام شده است. به عنوان نمونه برخلاف روال جاری در ادبیات گفتاری و نوشتاری کشورمان، ایشان صفت «کبیر» را نه برای حضرت امام علیه السلام که برای انقلاب استفاده می‌کنند. چه اینکه «انقلاب کبیر» در ادبیات جهانی رایج است. از سوی دیگر برای حضرت «امام» صفت «عظیم» به کار می‌برند که در زبان عربی بیشتر برای رهبران بزرگ به کار می‌رود.

۵. گرچه در ظاهر امر به مسئله سوریه هیچ اشاره‌ای نشده است، اما در متن مذکور به بندهایی برمی‌خوریم که به وضوح می‌توان تفکیک تحولات جاری کنونی سوریه از بیداری فراگیر اسلامی را مشاهده کرد. ایشان در اوائل سخنان خود پس از معرفی سه بخش اصلی متن می‌فرمایند:

فاصله عمیقی است میان چنین حضوری با قیامی که به وسیله یک جمع نظامی یا حتی یک گروه مبارز مسلح در برابر چشمان بی‌تفاوت مردم یا حتی مورد رضایت آنان انجام می‌گیرد. به همین استناد، ماجرای سوریه یک حرکت مردمی تمام عیار نیست بلکه مبتنی بر فعالیت یک گروه مبارز مسلح است که عموم مردم نسبت به آن یا مخالفند یا بی‌تفاوت‌اند و یا حتی راضی به آنند. اما در هر صورت توده مردم در صحنه نیستند.

۶. گفتگوی «من - شما» که در ابتدای نوشتار به وضوح قابل اشاره است. (من در این گفتار ...)، در ادامه متن به آرامی به گفتگوی «ما - ما» تبدیل شده است. برانگیختن احساس یگانگی با انقلابیان، از جمله ظرافت‌های قابل توجه این متن است که به تدریج و آهستگی رخ می‌دهد.

۷. استفاده از اشعار شاعر معروف عرب (ابوفارس) و نیز شعر انتخاب شده از او، علاوه بر ایجاد فضای همدلی با مخاطبان اجلاس و نیز نشان دادن اطلاع و اشراف بر فرهنگ و ادبیات عرب، ایجاد نوعی بار عاطفی در مجموعه استدلال‌ات سیاسی و منطقی است. در این میان تصویرسازی گفتگوی رهبری معظم انقلاب با مردم مصر به زبان منظوم عربی، معانی و پیام‌های دیگری نیز دارد که در پی می‌آید.

۸. نشان دادن مصر بر جایگاه اول جنبش‌های اخیر بیداری اسلامی به کرات تکرار می‌شود. حتی در فراوانی تکرار این موضوع، مصر از ایران نیز پیشی گرفته است. به گونه‌ای که به کشور مصر ۱۱ بار اشاره شده در حالی که نام ایران فقط ۸ بار تکرار شده است.

به رغم آنکه مردم تونس نخستین ملتی هستند که در عمل موفق به ساقط کردن رژیم مستبد خود می‌شوند، ترجیح مصر نکته قابل تأملی است. این امر از سویی می‌تواند به دلیل قرابت بیشتر مردم انقلابی مصر با مردم ایران (و محبوبیت ایران نزد آنان) و از سوی دیگر به دلیل سوابق تاریخی و اندیشگانی این کشور باشد. پیش از این گفته شد که در دسته‌بندی انواع جنبش‌های بیداری اسلامی، اندیشمندان مصر (مانند حسن البنا) با احیاگران دینی ایران (مانند حضرت امام علیه السلام) هر دو جزو گرایش «اسلام‌گرایی اصول‌گرا» محسوب می‌شوند. موارد مذکور، علاوه بر حساسیت جایگاه جغرافیایی (همسایگی رژیم اشغالگر قدس)، تمدنی، سیاسی و فرهنگی این کشور است.

اما در بررسی جامع‌تر متن دیده می‌شود که ابتدا مصر در جایگاه پیشتازی بیداری اخیر اسلامی قرار می‌گیرد. سپس بار اصلی این حرکت نیز بر عهده مردم مصر اعلام می‌شود و در گام آخر، رهبری معظم انقلاب با برقراری گفتگویی زیبا با مردم مصر، آنان را به ادامه راه انقلابی خود تشویق می‌کنند. این تسلسل و فرایند، به دلالت ضمنی (و نه تصریحی) تبیین ظریف جایگاه واقعی ولی امری مسلمین جهان است تا هدایت قطار بیداری اسلامی را با هدایت موتور محرکه اصلی آن هدایت کنند.

۹. به رغم آنکه در الفاظ متن سخنرانی کوچک‌ترین اشاره صریحی به الگوی حکومتی ترکیه نشده است، اما در فرازهایی از آن می‌توان به پرهیز از مدل خاص حکومتی و قانون اساسی این کشور پی برد. ایشان در بندهای پایانی - به رغم آنکه قبل از آن چند بار تذکر داده بودند - مجدداً از دموکراسی لیبرال غربی نهی می‌کنند. اما این بار به دلیل بافت متفاوت زبانی و مضمونی، نکته دیگری مد نظر است. در این بافت معنایی، ایشان پس از طرح و پیشنهاد «نظام مردم‌سالاری اسلامی»، تحقق آن را در کشورهای گوناگون به اقتضای شرایط و با شیوه‌ها و شکل‌های گوناگون اعلام می‌دارند، اما بلافاصله از اشتباه شدن آن با دموکراسی‌های لیبرال یا لائیک که در مواردی (و نه در همه موارد) ضد مذهب هستند، نهی می‌کنند.

۱۰. نوشتار مذکور، با آیه‌ای از قرآن کریم (آیات اول تا سوم سوره احزاب) آغاز و با همان آیات خاتمه می‌یابد. تحلیل متن و این آیات کریمه، نشان دهنده اقتباس ساختاری و روایی متن از این آیات است. به نص این آیات توجه فرمایید: «یا ایها النبی اتق الله و لا تطع الکافرین و المنافقین ان الله کان علیماً حکیماً. و اتبع ما یوحی الیک من ربک ان الله بما تعملون خبیراً. و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً».

محتوای این آیات به چهار پیام اصلی قابل تقسیم است:

۱. تقوی؛ (پرهیز از محرّمات و بدی‌ها)
۲. سرپیچی از فرمانبری کافران و منافقان؛
۳. پیروی از وحی الهی؛
۴. توکل و اعتماد به خدا؛

براساس تحلیل‌ها، ساختار متن سخنرانی از همین چهار زیرساخت تشکیل شده است. در ادامه، جدول مطابقت محتوایی آیات مبارکه و متن سخنرانی ارائه شده است:

ردیف	آیه مبارکه	محتوای متن
۱	تقوای الهی (پرهیز از محرّمات و بدی‌ها)	پرهیز دادن انقلابیان از غرور، سهم‌خواهی، اختلافات قومی و مذهبی، مرعوب شدن از دشمن و ...
۲	تمرد از کافران و منافقان	پرهیز از اعتماد به دشمن و لبخندهایش، نفی استکبار غرب و استبداد و عناصر نفوذی (منافق) و جریان‌ها و بدیل‌های انحرافی آنان
۳	پیروی از وحی الهی	تبعیت از شریعت و معرفت اسلامی، انتخاب الگوی مردم‌سالاری اسلامی، طراحی اصول مبتنی بر محکّمات و مبانی اسلامی
۴	توکل و اعتماد به خدا	توصیه به توکل به خداوند به‌ویژه در مقام طرح آسیب‌ها و خطرهای پیش رو

جدول شماره ۵: مطابقت محتوایی آیات مبارکه و متن سخنرانی

نتیجه

سخنرانی رهبر معظم انقلاب در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، به مثابه منشور جامعی از نظریه بیداری اسلامی است که از زمینه‌های ایجاد جنبش‌های منطقه تا آینده‌نگاری این قیام‌ها را در بر دارد. متن با بیان ریشه‌های نظری، تجربی و تاریخی قیام‌ها آغاز می‌شود و ضمن بیان مهم‌ترین عناصر و ارکان هویتی آنها، به آسیب‌ها و خطرهای پیش روی بیداری اسلامی می‌پردازد و در نهایت با پیش‌بینی مراحل برنامه‌ریزی دشمنان، تصویری از امکان احیای تمدن اسلامی را پیش رو می‌نهد. ترسیم دقیق گفتمان «غیر» در مقابل گفتمان «خودی»، لحاظ کردن دقائق و ظرائف زبانی و بیانی برای باورپذیری و اقتناع مخاطبان، ایجاد روابط همدلانه و عاطفی با مخاطبان انقلابی کشورهای منطقه، حفظ شأن سرآمدی انقلاب اسلامی ایران و رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در عین طراحی گفتگویی مشفقانه و نزدیک و ... از دیگر امتیازات این متن است که تفصیل آن گذشت. از همه مهم‌تر، آغاز و انجام متن سخنرانی و تطابق آشکار ساختار، محتوا و روایت آن با ساختار روایی آیات کریمه سوره احزاب، نشان‌دهنده جاری بودن اعتقادات قرآنی در سراسر گفتار و نوشتار مذکور است.

منابع و مأخذ

۱. آجیلی، هادی، ۱۳۸۹، *صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ اول.
۲. آقایی، بهمن و خسرو صفوی، ۱۳۶۵، *اخوان المسلمین*، تهران، نشر رسام، چ اول.

به سوی نظریه بیداری اسلامی تحلیل کیفی متن بیانات مقام معظم رهبری ... □ ۶۵

۳. حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۹۱، «ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار ۹۱.
۴. رایف، دانیل و استفن لیسلی و فریدریک جی. فیکو، ۱۳۸۸، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران، انتشارات سروش، چ سوم.
۵. رجایی، فرهنگ، ۱۳۸۰، *پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، نشر آگاه، چ اول.
۶. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ پنجم.
۷. سجودی، فرزانه، ۱۳۸۷، *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران، نشر علم، چ اول.
۸. سلطانی، سیدعلی اصغر، ۱۳۸۴، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران، نشر نی، چ اول.
۹. فلیک، اووه، ۱۳۸۷، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چ اول.
۱۰. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۷، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، نشر معارف، چاپ هفتم.
11. Mayring, Philipp, 2000, "Qualitative content Analysis", *Qualitative social Reserch*, vo11, No2.
12. Hasan, R, 1992, *Meaning in sociolinguistic Theory*, In kingsley Bolton and Helen kwok (eds). Sociolinguistics Today: International perspective outledge.
13. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10918>
14. <http://farsi.khamenei.ir/video-content?id=17270>
15. <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=18500>
16. <http://khabaronline.ir/news>
17. <http://www.islamtimes.org/vdciyqaw.t1apv2bcct.html>

